

ارائه الگوی پیامدهای اجتماعی ناشی از رشد محلات اسکان غیر رسمی در اسلامشهر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۰

زهرا کرمی جوزانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۵

علی نوری کرمانی^۲

آریتا رجبی^۳

چکیده:

امروزه یکی از چالشهای عمده ناپایدار کننده شهری، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسم به اسکان غیررسمی یا حاشیه نشینی است. یکی از بارزترین نمود های رشد سریع شهرنشینی، شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران است که به نمادی از فقر شهری بدل شده است. اولین گام برای برنامه ریزی منطقی در سکونتگاه‌های غیررسمی شناخت درست و جامع اینگونه بافت‌ها است تا بتوان از طریق آن راهکارهای مناسب به منظور بهبود شرایط ساکنین آن را ارائه داد. در این راستا این پژوهش در جهت بررسی شاخص‌ها و ابعاد پیامدهای اجتماعی ناشی از رشد محلات اسکان غیر رسمی در اسلامشهر و ارائه الگوی جهت کنترل و رفع آنها صورت گرفته است. این پژوهش جزو مطالعات کاربردی به حساب می‌آید. روش تحقیق در پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است و جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم از دو روش کتابخانه‌ای برای احاطه به یافته‌های تحقیقات مرتبط پیشین، روش اسنادی برای جمع‌آوری داده‌ها، مقایسه و ارتباط آنها و روش میدانی از راه پیمایش است. در این پژوهش متغیر مستقل شامل رشد محلات اسکان غیر رسمی در اسلامشهر با شاخص‌های (مسائل اقتصادی، مسائل کالبدی-محیطی، مسائل بهداشتی و سلامت، مسائل زیست محیطی) و متغیر وابسته شامل پیامدهای اجتماعی با ابعاد (آسیب‌های اجتماعی، فقر و محرومیت، هویت، احساس تعلق و مشارکت، امنیت و آموزش، امکانات رفاهی و اوقات فراغت) می‌باشند. جامعه آماری پژوهش شامل متخصصین و مدیران فعال در حوزه مدیریت شهری در اسلامشهر می‌باشند. با توجه به محدودیت افراد (۵۰ نفر)، از روش تمام شماری / سرشماری با استفاده از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. این پژوهش شامل یک فرضیه اصلی و ۲ فرضیه فرعی می‌باشد که به بررسی رابطه‌ی رشد محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر در شکل‌گیری پیامدهای اجتماعی و تفاوت در میزان تاثیرگذاری شاخص‌ها و ابعاد می‌پردازد. نتایج بدست آمده از این تحقیق بر پایه فرضیات نشان می‌دهد که میان رشد محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر و شکل‌گیری پیامدهای اجتماعی آن، رابطه معناداری وجود دارد. سی و دو درصد (۳۲٪) از میزان تاثیرات ناشی از رشد محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر، به شکل‌گیری پیامدهای اجتماعی آن، مربوط می‌شود؛ همچنین بیشترین تاثیرات در متغیر مستقل، در شاخص مسائل اقتصادی و در متغیر وابسته، در بعد آسیب‌های اجتماعی محلات اسکان غیررسمی دیده می‌شود. بر اساس نتایج همبستگی کانونی، شاخص مسائل اقتصادی با میزان تاثیرگذاری ۳۵٪، بر مجموع متغیرهای دیگر، در جایگاه نخست قرار گرفته است. در ضمن بر اساس تحلیل و ارائه الگو، بیشترین میزان همبستگی در شاخص‌ها، میان مسائل بهداشتی و سلامت و بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت در محلات اسکان غیررسمی اسلامشهر دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: محلات اسکان غیر رسمی، سکونتگاه‌های غیررسمی، پیامدهای اجتماعی، مدیریت شهری

^۱ دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) alinourikermani@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

alinourikermani@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله:

امروزه یکی از چالشهای عمده ناپایدار کننده شهری، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسم به اسکان غیررسمی یا حاشیه نشینی است. یکی از بارزترین نمود های رشد سریع شهرنشینی شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران است که به نمادی از فقر شهری بدل شده است. سکونتگاه‌های غیررسمی بازتابی از عدم برنامه‌ریزی در سطح شهر است. این در حالی است که برنامه‌ریزی‌ها در شهر جهت تامین نیازهای تمامی ساکنین شهر نبوده است. بر این اساس اولین گام برای برنامه ریزی منطقی در سکونتگاه‌های غیررسمی شناخت درست و جامع اینگونه بافت‌ها است تا بتوان از طریق آن راهکارهای مناسب به منظور بهبود شرایط ساکنین آن را ارائه داد. اگرچه به نظر می‌آید مهاجرت عامل اصلی شکل دهی و رشد مناطق حاشیه نشینی در شهرها است، ولی واقعیت این است که بخشی از حاشیه نشینان ساکنین همبستگی همیشگی شهر می‌باشند که به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیر متعارف غیر استاندارد و سکونت‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند واحدهایی که بعضاً از حداقل امکانات و ملزومات بهداشتی و رفاهی محروم می‌باشند. در واقع هر شکل فضایی ناشی از فرآیند اجتماعی خاصی است. بنابراین محله های حاشیه نشین فضاهای زندگی غیررسمی و فضاهای نامتعارف شهری همگی بازتاب فضایی و در واقع معلول بی عدالتی های اجتماعی و اقتصادی در سطوح ملی و منطقه‌ای و محلی می باشد.

اسکان غیر رسمی صرفاً مسأله ای کالبدی فیزیکی نبوده و از عوامل کلان ساختاری در سطح ملی و منطقه ای ناشی می شود. سکونتگاه‌های غیررسمی از جنبه های مختلفی همچون ویژگی های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی دارای ویژگی های مشخصی هستند. مهمترین ویژگی و بدترین پیامد ناگوار مهاجرت عظیم به شهرها، شکل‌گیری مشکلات بنیادین از قبیل فقر، بیسوادی، سطح پایین آگاهی، نرخ بیکاری، سکونت غیررسمی، اشتغال غیر رسمی و... می باشد.

تجمع مهاجران با فرهنگ های متعدد در محیط های اسکان غیررسمی همراه با معضلات ناشی از فقدان اشتغال منجر به بزهکاری و ایجاد منطق تبهکاری می شود.

در حال حاضر با توجه به آمار موجود درصد ۸ میلیون نفر در ایران در این سکونتگاه ها زندگی می کنند که از دهه ۷۰ به بعد، با گسترش ابعاد آن، نه تنها سکونتگاه های غیررسمی بلکه در مواردی حتی مناطق دیگر را نیز تحت تاثیر قرار خواهند داد. (رستم زاده، ۱۳۹۱).

بنابراین عدم مداخله به شیوه ای که باعث بهبود کیفیت زندگی ساکنان شود، ممکن است به ناآرامی های اجتماعی و سیاسی منجر شود. لذا بهبود شرایط تهیدستان شهری به ثبات سیاسی و اجتماعی منجر می شود. (barry, ruther, ۲۰۰۵).

۲- مفاهیم و چهارچوب نظری:

حاشیه نشینی: شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهرساکن هستند ولی جذب اقتصاد نشده اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطبهای صنعتی و بازارهای کار می کشد و اکثراً مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می شوند.

اسکان غیر رسمی: یکی از چهره های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه ریزی رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می گیرد و با عناوینی همچون حاشیه نشینی، اسکان غیر رسمی، سکونت گاه های خودرو و نابسامان نامیده می شود. با توجه به نارسا بودن اصطلاح حاشیه نشینی و آلودگی ناشی از اشکال این پدیده، اصطلاح اسکان غیر رسمی، با تعبیری گسترده تر به جای حاشیه نشینی و آلودگی ناشی بکار می رود. از این رو اصطلاح اسکان غیر رسمی شامل حاشیه نشینی و اشکال متعدد می باشد .

در خصوص نظریات حاشیه نشینی و جرم دو تبیین رایج و مسلط وجود دارد: یکی دیدگاهی که بر **عوامل اجتماعی کلان** تأکید می ورزد؛ و دیگری دیدگاهی که بر **عوامل سطح میانی** و **خرد** تأکید دارد. برخلاف دیدگاه فردی که معتقد است میزان جرایم محصول رفتارهای انحرافی تک تک افراد است، در دیدگاه های کلان بر نقش جامعه و ساختارهای اجتماعی تأکید می شود.

سطح کلان

در این سطح نظریه هایی چون نظام جهانی و وابستگی قرار دارد و به مقوله هایی مانند تأثیر نظام سرمایه داری جهانی در شکل گیری شهرنشینی وابسته و پیدایش اسکان غیررسمی در کشورهای در حال توسعه می پردازد. بر پایه ی این دیدگاه گسترش شهرنشینی در ایران از دهه ی ۱۳۴۰ با افزایش سرمایه گذاری های دولت در شهرها و آغاز بورس بازی زمین و ساختمان در شهرهای بزرگ، یکی از عمده ترین علل مهاجرت نیروی کار روستایی به شهر را رقم زد و مشکلات شهری - از جمله پیدایش حاشیه نشینی در حومه ی کلانشهرها را پدید آورد. نخستین علت این پدیده در سطح کلان را باید ساختاری دانست که ساز و کار تبعیض آمیز و فقر را بر پایه ی توزیع غیر عادلانه ی منابع قدرت، ثروت و درآمد رقم زده است.

تجلی فضایی این ساز و کار در سطح کشور، به عدم تعادل های منطقه ای و در سطح منطقه ای و محلی، انجامید و تقاضاهای ناگهان و پرشتابی برای اسکان در نواحی محدود به وجود آمد؛ این تقاضاها باعث افزایش قیمت ها، کاهش ذخیره ی مسکن، نارسایی خدمات شهری و اشباع شبکه های زیربنایی می شود. در چنین شرایطی مهاجرین کم درآمد، توان استفاده از بازار رسمی زمین و مسکن را نداشته و با اصرار بر لزوم استقرار خود در همان ناحیه، فضایی ناخوشایند و نامطمئن، لیکن ارزانتر را در بازار غیر رسمی زمین و مسکن ایجاد می کنند.

سطح میانی

نظریه های نوسازی را می توان متعلق به سطح میانی دانست. در این نظریه ها به تحولات درونی جامعه بر اثر وقوع پدیده های مدرن مانند توسعه ی صنعتی، افزایش جمعیت و مهاجرت به شهرها، و در نتیجه بروز مشکلاتی مانند کشمکش و ستیز اجتماعی برای آن دسته از مهاجرانی که قادر به تطبیق با هنجارهای زندگی مدرن شهری نبودند، می پردازند. استفاده از مفاهیم سرمایه ی

اجتماعی و انزوای اجتماعی برای توصیف وضعیت فقیران شهری که گرفتار چرخه ی فقر شده اند و فاقد سرمایه ی اجتماعی برون گروهی برای برقراری تعامل با دیگر گروه های اجتماعی با وضعیت بهترند؛ در این سطح می گنجد.

سطح خرد

این سطح با نظریه های فرهنگ گرا که مشخصه ی آن توجه به ویژگی های فرهنگی و روانی ساکنان غیررسمی است و با استفاده از مفاهیمی چون انسان حاشیه ای و فرهنگ فقر، شروع می شود. مفهوم انسان حاشیه ای، اشاره به انسانی دارد که به دلایلی جذب جامعه نشده و نسبت به آن غریبه مانده است. این مفهوم را نویسندگانی مانند پارک و توماس و زنانیکی برای توصیف مهاجران بیگانه ی ساکن در شهر با داشتن ویژگی هایی چون روحیه ی ستیزه جو، بی سازمانی خانواده و نابسامانی های عاطفی به کار برده اند.

به طور کلی عللی که در سطح خرد زمینه ساز پیدایش و شکل گیری حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی می شود عبارتند از:

- ۱- ضعف برنامه های بخشی مشخص و مؤثر برای پاسخگویی به نیاز سرپناه کم درآمدها در توزیع جغرافیایی مناسب.
- ۲- عدم پیش بینی فضای مسکونی کافی و مناسب اقشار کم درآمد در طرح های کالبدی شهری و اعمال استانداردهای خارج از استطاعت ایشان.

۳- دسترسی ناچیز به نظام های رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم درآمدها، به ویژه شاغلین در بخش غیر رسمی

۴- وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین باز به موازات اهمال و ناتوانی در نظارت و کنترل ساخت و سازها، به ویژه در فضای بینابینی شهرها.

۵- فقدان نهادسازی برای تجهیز و تجمیع منابع اقشار کم درآمد و عدم حمایت و هدایت دولت در مورد خانه سازی خودیار.

نظریه عمومی فشار

نظریه فشار به بلوکه شدن فرصت های اقتصادی اجتماعی به عنوان عاملی در جرم و بزهکاری توجه می کند. براساس این نظریه، زمانی که افراد نتوانند در کسب اهداف مورد نظرشان (نظیر کسب، درآمد، پیشرفت تحصیلی و جز آن) موفق شوند، با فشارهایی مواجه می گردند. در شرایط خاصی، برای واکنش به این فشارها، احتمال ارتکاب جرم افزایش می یابد. رابرت اگنیو نسخه اصلاح شده ای از نظریه فشار را با عنوان نظریه عمومی فشار مطرح می کند. به نظر رابرت اگنیو، الف) شکست در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت؛ ب) فقدان انگیزه های ارزشمند مثبت؛ و ج) وجود انگیزه های منفی، از منابع عمده فشار به شمار می آیند.

الف) فشار ایجاد شده به خاطر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت: اگنیواستدلال می کند که عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت شامل پول، منزلت، احترام، استقلال و خودمختاری اولین نوع فشار است. هنگامی که در جامعه گسستگی بین آمال و آرزوها و واقعیات زندگی پدید آید، افراد به سمت اهداف جایگزین هدایت می شوند و دستیابی اهداف ارزشمند مثبت، از طریق کانال های مشروع برای آنان دشوار می گردد.

ب) فشار در نتیجه حذف انگیزه های ارزشمند مثبت از افراد: رفع انگیزه های مثبت نیز می تواند سبب فشار شود. به عنوان مثال، شکست در عشق، نقل مکان به محل یا مدرسه جدید و طلاق یا جدایی والدین می توانند موجب فشار باشد زمانی که فرد سعی

می کند تا از فقدان انگیزه مثبت ممانعت کند و آنچه را که از دست رفته است بازیابد، جایگزینی برای آن پیدا کند و یا از کسانی که مسئول از دست دادن آن بودند انتقام بگیرد، حذف یا فقدان انگیزه‌های مثبت ممکن است منجر به بزهکاری شود. (ج) فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی: فشار با حضور محرک‌های منفی یا مضر نیز می‌تواند ایجاد شود، مانند ترغیب به تعاملات اجتماعی همچون کودک‌آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زد و خورد خانوادگی و همسالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی، اعم از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا.

دیدگاه قشربندی اجتماعی

دیدگاه قشربندی اجتماعی، معتقد است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه ارتباط دارد. این دیدگاه گرچه سابقه طولانی دارد، اما دو نسخه فرعی آن بر تحقیقات مختلف درباره حاشیه‌نشینی و جرم تسلط داشتند. دیدگاه نخست که مدل محرومیت مطلق خوانده می‌شود، بر تأثیر جرم‌زای فقدان درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد و معتقد است که ارتکاب جرم یکی از منابع و شیوه‌های اصلی کسب معاش برای ساکنان نواحی فقیرنشین است. علاوه بر این، مدل فقر مطلق تأکید می‌کند که تأثیرات استرس‌زا و غیرانسانی زندگی در شرایط نامساعد اقتصادی، ناکامی‌هایی را ایجاد می‌کند که از طریق خشونت‌های جسمی و فیزیکی ابراز می‌شود.

نظریه‌ی اورت. اس. لی

اورت. اس. لی در تئوری عوامل دافعه و جاذبه چهار عامل برانگیزاننده و بازدارنده‌ی مهاجرت را بررسی می‌شوند که عبارتند از: عوامل موجود در مبدا و مقصد، موانع موجود از مبدا به مقصد و عوامل شخصی. عوامل مذکور به وسیله‌ی اشخاص مختلف به صورت متفاوتی پذیرفته و باور می‌شود. بر اساس این دیدگاه چنانچه برآیند عوامل برانگیزاننده و بازدارنده مثبت باشد میل به مهاجرت ایجاد می‌شود.

<http://sobhan۷۱.blogfa.com/post/۵۸> (نظریه‌های حاشیه‌نشینی)

۳- پیشینه تحقیق:

* سلیمان محمدی دوست، مرضیه مرادی ریزی و محمدعلی خانی زاده، در پژوهشی تحت عنوان "ارزیابی نقش مدیریت شهری در توانمندسازی سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری با تأکید بر خواسته‌های ساکنین (مطالعه موردی: محله زینبیه شهر اصفهان)" به تحلیل وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی می‌پردازند. روش پژوهش پیش‌رو، روش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. در ادامه با روش مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه باز و بسته ویژه مسئولین و شهروندان در بستر مطالعات میدانی، در سطح محله زینبیه اصفهان، اقدام به بررسی و پیمایش شده است. از طریق برنامه SPSS و رویکرد معادلات ساختاری به وسیله نرم افزار AMOS ۱۸ استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین مولفه‌های توانمندسازی، شامل: اقتصادی و اجتماعی، کالبدی و مدیریتی-حقوقی، بیشترین اثر، و مولفه اقتصادی کمترین اثر را بر توانمندسازی دارد. عدم توجه کافی مدیریت شهری به مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی با ضعف در وظایف مدیریت شهری از برنامه ریزی تا تخصیص منابع باعث شده است، جوابگویی به توانمندسازی محله زینبیه در حال حاضر به صورت ضعیف ارزیابی شود و نیازمند

در پیش گرفتن راهکارهای جدید برای ارتقای نقش مدیریت شهری در توانمندسازی محله زینیه است که در پایان راهبردها و سیاست های اجرایی مدیریت شهری مورد اشاره قرار گرفته است. (محمدی دوست و همکاران، ۱۳۹۷).

*صادق برزگر، تقی حیدری و علیرضا انبارلو در مقاله ای تحت عنوان "تحلیل سکونت گاه های غیررسمی با رویکرد زیست پذیری (مورد مطالعه: محلات غیررسمی شهر زنجان) به تحلیل وضعیت سکونتگاه های غیررسمی می پردازند. رویکرد پژوهش درک مکانیزم های موثر بر زیست پذیری محلات غیررسمی شهر زنجان می باشد که به تولید و باز تولید شرایط حاکم منجر می شود. در این راستا تحقیق حاضر، با روش توصیفی- تحلیلی و بررسی های میدانی و توزیع ابزار پرسشنامه و نمونه ۳۸۳ نفری از محلات ۷ گانه شهر زنجان از تحلیل اکتشافی بهره گرفته شده است. نتایج نشان داده شده که از میان ابعاد مختلف زیست پذیری محلات غیررسمی، بعد کالبدی با ضریب معنی داری ۵.۶۱ به میزان بیشتری وضعیت حاکم بر محلات غیررسمی شهر زنجان داشته است. بعد زیست محیطی با ضریب تاثیر ۰.۸۱ و بعد اجتماعی با ضریب تاثیر ۰.۴۱، به ترتیب در رتبه های سوم و چهارم تاثیر گذاری در محلات غیررسمی بوده اند. (برزگر و همکاران، ۱۳۹۹).

*طیبه سرگلزاری جوان در مقاله ای تحت عنوان "امکان سنجی توانمندسازی محله های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد شهر زاهدان"، به تحلیل وضعیت سکونتگاه های غیررسمی می پردازد. این پژوهش از روش، توصیفی- تحلیلی و به لحاظ ماهیت، کاربردی است. جامعه آماری شهروندان بالای ۱۸ سال در محله شیرآباد شهر زاهدان است که با روش نمونه برداری تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. یافته ها حاکی از آن است، شاخص مشارکت (در بعد زیست محیطی)، شاخص همکاری (در بعد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) در شرایط بالاتر از حد متوسط، شاخص مشارکت (در بعد کالبدی و اجتماعی و زیست محیطی و شاخص شبکه های رسمی و غیررسمی) در بعد اقتصادی، در حد متوسط و شاخص مشارکت (در بعد اقتصادی) پایین تر از حد متوسط قرار دارند. همچنین ارتباط معناداری بین تمام شاخص ها و ابعاد توانمندسازی وجود دارد و هر عاملی که سبب سرمایه اجتماعی شود، توانمندسازی را نیز افزایش می دهد و بالعکس. (سرگلزاری جوان، ۱۳۹۵)

*شهریور روستایی در مقاله ای با عنوان "ارزیابی فقر شهری در محلات اسکان غیررسمی شهر کرمانشاه با استفاده از مدل تحلیل عاملی (نمونه موردی محله دولت آباد و شاطرآباد سال ۱۳۸۵)" در این مقاله به ارزیابی، اسکان غیررسمی در این محلات پرداخته پرداخته شده است. هدف از این پژوهش، ارزیابی اسکان غیر رسمی در شهر کرمانشاه است. که به این منظور از روش تحلیلی- کمی با رویکرد کاربردی برای انجام پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش محله دولت آباد در حاشیه غربی و محله شاطرآباد در ضلع شرقی شهر کرمانشاه می باشد و برای این منظور از اطلاعات بلوک های آماری سال ۱۳۸۵ و از ۳۰ شاخص که با روش های آماری به ۳ عامل ترکیبی تبدیل شده و نتایج با بهره گیری از مدل تحلیل عاملی و با کمک نرم افزارهای Arc/View و Arc/Gis ارزیابی شده، استفاده گردیده است. نتایج به دست آمده، در محله دولت آباد حاکی از آن است که

تعداد ۲۰ بلوک معادل ۱۱/۱٪ درصد در وضعیت مناسب، ۳۱ بلوک معادل ۱۷/۲٪ درصد نسبتاً مناسب، ۵۷ بلوک معادل ۳۱/۷٪ درصد متوسط، ۵۰ بلوک معادل ۲۷/۸٪ درصد نسبتاً نامناسب و ۱۶ بلوک معادل ۸/۹٪ درصد نامناسب بوده اند. نتایج تجزیه و تحلیل برای محله شاطرآباد نمایانگر این است که تعداد ۱۲ بلوک معادل ۴/۵ درصد نامناسب، ۷۴ بلوک معادل ۲۸ درصد نسبتاً نامناسب، ۹۲ بلوک معادل ۳۴/۸ درصد متوسط، ۶۰ بلوک معادل ۲۲/۷ درصد نسبتاً مناسب و ۱۳ بلوک معادل ۴/۹ درصد مناسب شناخته شده اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که بلوک های شهر کرمانشاه مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است. این سکونتگاه ها جلوه فقر به شمار می روند که از لحاظ پویایی روند متفاوتی را طی می کنند. وجود نواحی نابرابر در فضای شهر کرمانشاه به جدایی گزینی فضایی، اجتماعی و اقتصادی منجر گردیده است. که ذکر این نکته لازم است که نتایج حاصله صرفاً با تکیه بر شاخص های مورد استفاده در این مقاله می باشد و در صورت عدم مشکلات آماری و به کار گیری شاخص های بیشتر این احتمال وجود دارد که نتایج تحت تأثیر قرار گیرد. (روستایی و همکاران، ۱۳۹۴).

۴- محدوده و موقعیت جغرافیایی اسلامشهر:

اسلامشهر مرکز شهرستان اسلامشهر واقع در استان تهران است که در ۱۲ کیلومتری جنوب شهر تهران واقع شده است و از طریق بزرگراه های قدیم و جدید تهران-ساوه و همچنین آزادگان و احمدآباد مستوفی قابل دسترسی است. فاصله آن تا مرکز شهر تهران حدود ۱۵ کیلومتر است. این شهرستان از شرق و جنوب به ری از غرب به رباط کریم و از شما غرب به شهریار محدود است و بیش از ۸۰۰ هزار نفر جمعیت به طور غیر رسمی دارد. شهر اسلامشهر از ۶ منطقه تشکیل شده که مناطق ۱ و ۲ مرکزی و منطقه ۳ آن شهرک واوان، منطقه ۴ شاطره، منطقه ۵ احمدآباد مستوفی و منطقه ۶ شهرک امام حسین (ع) است. اسلامشهر بعد از شهر بزرگ تهران پر جمعیت ترین شهر استان تهران محسوب می شود.



تصویر شماره (۱) موقعیت منطقه ۱۵ در کلانشهر

۵-روش تحقیق:

تعریف مفهومی تحقیق عبارت است از روشی که برای مطالعه ی منظم و سازمان یافته ی پدیده ها، به منظور کشف رابطه بین آن ها و درک اصول وقواعد کلی حاکم بر این پدیده ها به کار می رود. تحقیق عبارت است از مجموعه فعالیت هایی که برای کشف بخش _____ از _____ان حقیقی _____ی _____انجام _____ی _____شود. در تحقیق حاضر، با توجه به ویژگی موضوع تحقیق، روش پیمایش^۱ مورد استفاده قرار گرفته است. پیمایش، تحقیقی است توصیفی -تبیینی که براساس نمونه ای تصادفی و معرف از افراد جامعه ی پژوهش و پاسخ آنها به یک مجموعه پرسش با استفاده از پرسشنامه، نظرسنجی و یا روشهای دیگر به مطالعه ی وضع موجود اعم از نگرشها، عقیده ها، رفتارها و به طور کلی استخراج اطلاعات درباره شرایط زندگی و مقوله هایی که افراد را معین و متمایز می گرداند، می پردازد (میرزایی، ۱۳۸۹، ۸۵). روش تحقیق پیش رو با پرسشنامه محقق ساخته به توصیف و تبیین جامعه آماری می پردازد. روش دیگری که در این تحقیق مورد استفاده قرار خواهد گرفت، روش اسنادی یا کتابخانه ای است که به بررسی، شاخص ها، نظریات و مفاهیم تحقیق می پردازد. در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی هم در کنار روش پیمایش، استفاده خواهد شد. در تحقیق حاضر مبنای فرضیه های ساخته شده تحلیل روابط بین متغیرها و از نوع کاربردی می باشد.

۵-۱-متغیرهای تحقیق:

کلیدی ترین عنصر هر تحقیق متغیرهای آن است. متغیر عاملی ست که می تواند مقادیر متفاوتی داشته باشد و اندازه گیری شود. این تحقیق شامل دو متغیر مستقل و وابسته و ۹ شاخص می باشد که شامل: متغیر مستقل: رشد محلات اسکان غیررسمی و متغیر وابسته: پیامد های اجتماعی آن.

شاخص های رشد محلات اسکان غیررسمی شامل: مسائل اقتصادی، کالبدی-محیطی، سلامت و بهداشت، زیست محیطی می باشد و ابعاد پیامدهای اجتماعی شامل: بعد آسیب های اجتماعی، فقر و محرومیت، بعد هویت، احساس تعلق و مشارکت، بعد امنیت و آموزش، بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت می باشند.

۵-۲-سوالات و فرضیات تحقیق:

۵-۲-۱-سوالات:

۱. رشد محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر چه تاثیری در شکل گیری پیامدهای اجتماعی دارد؟
۲. چه تفاوت معناداری در میزان تاثیرگذاری مسائل (شاخص ها) مربوط به محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر وجود دارد؟
۳. چه تفاوت معناداری در میزان تاثیرگذاری ابعاد (شاخص ها) پیامدهای اجتماعی مربوط به محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر وجود دارد؟

^۱ - Survey

۴. آیا تفاوت معناداری در میزان تاثیرگذاری هر یک از مسائل محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر بر شکل گیری ابعاد پیامدهای اجتماعی وجود دارد؟

۲-۵-۲- فرضیات پژوهش:

فرضیه اصلی: به نظر می رسد رشد محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر در شکل گیری پیامدهای اجتماعی موثر است.

فرضیات فرعی:

فرضیه فرعی ۱: به نظر می رسد تفاوت معناداری در میزان تاثیرگذاری مسائل (شاخص ها) مربوط به محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر وجود داشته باشد.

فرضیه فرعی ۲: به نظر می رسد تفاوت معناداری در میزان تاثیرگذاری ابعاد (شاخص ها) پیامدهای اجتماعی مربوط به محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر وجود دارد.

۳-۵- جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری:

جامعه آماری عبارتست از مجموعه تمام افراد، گروه‌ها، اشیاء و یا رویدادهایی که دارای یک یا چند ویژگی مشترک باشند. جامعه آماری در پژوهش حاضر، شامل شهروندان اسلامشهر می باشند. نمونه آماری گروه کوچکتری از جامعه است که طبق ضابطه‌ای معین برای مشاهده و تجزیه و تحلیل انتخاب می شود و باید معرف جامعه باشد. نتایج نمونه ای را که معرف جامعه نباشد نمی-توان به جامعه تعمیم داد. با توجه به اینکه پاسخگویان از میان متخصصان امور شهری (پژوهشگران و مدیران فعال در حوزه مدیریت شهری اسلامشهر انتخاب شده اند و از آنجا که تعدادشان محدود است سعی شده که کل جامعه آماری پوشش داده شود و از روش تمام شماری / سرشماری استفاده گردید.

۶- نتایج تحقیق:

۱-۶- نتایج توصیفی پژوهش:

*متغیرهای زمینه ای:

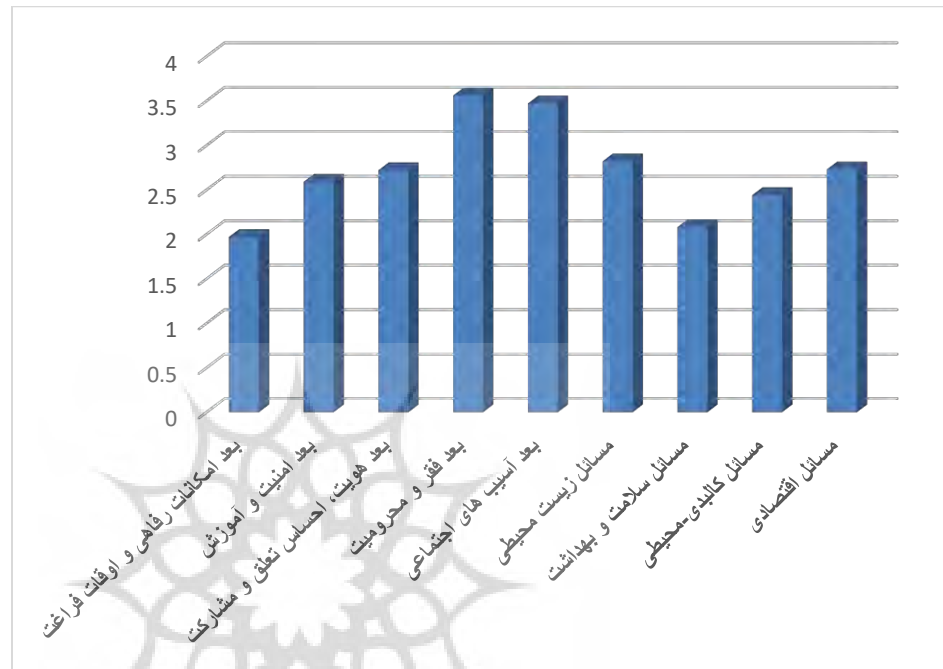
تعداد کل پاسخگویان ۵۰ نفر، که شامل مسئولین و کارشناسان حوزه مدیریت شهری اسلامشهر می باشند. از این تعداد معادل ۳۴٪ را زنان و ۶۸٪ را مردان تشکیل می دهند. بیشترین میزان تحصیلات در رده کارشناسی، معادل ۳۶٪، دیده شده است. در گویه سمت شغلی، بیشترین پاسخگویان، کارمند و معادل ۳۴٪، می باشند.

*متغیر مستقل (رشد محلات اسکان غیررسمی):

اکثر پاسخگویان در مجموع سوالات مربوط به شاخص های مسائل اقتصادی محلات اسکان غیر رسمی، مسائل کالبدی-محیطی محلات اسکان غیر رسمی، شاخص مسائل سلامت و بهداشت محلات اسکان غیر رسمی، مسائل زیست محیط محلات اسکان غیر رسمی، به گزینه کم رای داده اند در واقع سطح سنجش این شاخص ها در سطح نامطلوب قرار گرفته است.

*متغیر وابسته (پیامدهای اجتماعی):

اکثر پاسخگویان در مجموع سوالات مربوط به ابعاد آسیب های اجتماعی و فقر و محرومیت، به گزینه زیاد و در ابعاد هویت، احساس تعلق و مشارکت، امنیت و آموزش، امکانات رفاهی و اوقات فراغت، به گزینه تا حدودی/متوسط و در بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت، به گزینه کم رای داده اند. در واقع ابعاد آسیب های اجتماعی، فقر و محرومیت و امکانات رفاهی و اوقات فراغت در سطح نامطلوب و ابعاد هویت، احساس تعلق و مشارکت، امنیت و آموزش، در سطح نسبتاً مطلوبی قرار گرفته اند.



نمودار شماره (۰) - میانگین شاخص ها و ابعاد متغیرهای مستقل و وابسته

۲-۶- نتایج استنباطی پژوهش:

۲-۶-۱- نتایج فرضیات

به نظر می رسد رشد محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر در شکل گیری پیامدهای اجتماعی موثر است (فرضیه اصلی). برای سنجش این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده و بر روی ۵۰ نفر از مسئولین و کارشناسان حوزه مدیریت شهری در اسلامشهر، انجام شد؛ چون عدد بدست آمده (سطح معنی داری) از ۰.۰۵ کوچکتر است؛ می توان نتیجه گرفت که این فرضیه یک تایید، شد و میان رشد محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر در شکل گیری پیامدهای اجتماعی آن، رابطه معناداری وجود دارد. سی و دو درصد (۳۲٪) از میزان تاثیرات ناشی از رشد محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر، به شکل گیری پیامدهای اجتماعی آن، مربوط می شود؛ و مابقی تغییرات به متغیرهای دیگری مربوط می شود که خارج از موضوع تحقیق است. به نظر می رسد تفاوت معناداری در میزان تاثیرگذاری مسائل (شاخص ها) مربوط به محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر وجود داشته باشد (فرضیه فرعی ۱). آزمون تی تک نمونه ای جهت سنجش انجام شد که با توجه به اینکه سطوح معنی داری (sig) پایین

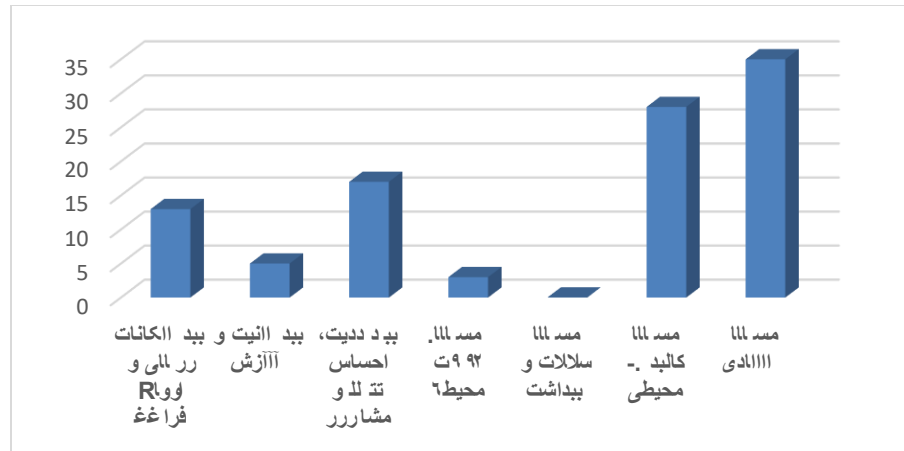
تر از ۰.۰۵ است، و حدهای بالا و پایین در آزمون ها، همگی، مثبت می باشند، این فرضیه تایید می شود. در واقع چنین به نظر می رسد که، تفاوت معناداری در میزان تاثیرگذاری مسائل (شاخص ها) مربوط به محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر وجود داشته باشد. بیشترین تاثیرات از نظر پاسخگویان، در مسائل اقتصادی محلات اسکان غیررسمی، دیده می شود.

به نظر می رسد تفاوت معناداری در میزان تاثیرگذاری ابعاد (شاخص ها) پیامدهای اجتماعی مربوط به محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر وجود دارد (فرضیه فرعی ۲). آزمون تی تک نمونه ای جهت سنجش انجام شد که با توجه به اینکه سطوح معنی داری (sig) پایین تر از ۰.۰۵ است، و حدهای بالا و پایین در آزمون ها، همگی، مثبت می باشند، این فرضیه تایید می شود. در واقع چنین به نظر می رسد که، تفاوت معناداری در میزان تاثیرگذاری ابعاد (شاخص ها) پیامدهای اجتماعی مربوط به محلات اسکان غیررسمی در اسلامشهر وجود داشته باشد. بیشترین تاثیرات از نظر پاسخگویان، در بعد آسیب های اجتماعی محلات اسکان غیررسمی، دیده می شود.

۶-۲-۲- نتایج همبستگی کانونی:

تحلیل همبستگی کانونی، در واقع همبستگی و روابط میان متغیرها را بررسی می کند. این آزمون همانند مدل سازی معادلات ساختاری و یا تحلیل عاملی تاییدی، عمل می کند. در واقع می توان گفت چقدر یک مجموعه از متغیرها، می توانند، رفتار مجموعه ای دیگر از متغیرها را پیش بینی و تبیین نمایند. متغیرهای کانونی در این تحقیق، شامل ۷ مجموعه متغیر است. (مسائل اقتصادی، مسائل کالبدی-محیطی، مسائل بهداشتی و سلامت، مسائل زیست محیطی، بعد هویت، احساس تعلق و مشارکت، بعد امنیت و آموزش، بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت). با توجه به اینکه سطوح معنی داری (sig) تمامی مجموعه ها پایین تر از ۰.۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که وجود همبستگی کانونی بین ۷ مجموعه متغیر، تایید می گردد ابعاد آسیب های اجتماعی و فقر و محرومیت، به علت عدم همبستگی با سایر متغیرها از روند تحلیل حذف می شوند.

بر اساس نتایج همبستگی کانونی، در شاخص مسائل اقتصادی میزان تاثیرگذاری این شاخص بر مجموع متغیرهای دیگر، برابر ۳۵٪، در شاخص مسائل کالبدی-محیطی، برابر ۲۸٪، در شاخص مسائل زیست محیطی، برابر ۳٪، شاخص مسائل بهداشتی و سلامت، برابر ۰.۰۲٪، بعد هویت، احساس تعلق و مشارکت میزان تاثیرگذاری این شاخص بر مجموع متغیرهای دیگر، برابر ۱۷٪، بعد امنیت و آموزش، برابر ۵٪، بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت، برابر ۱۳٪، می باشد.

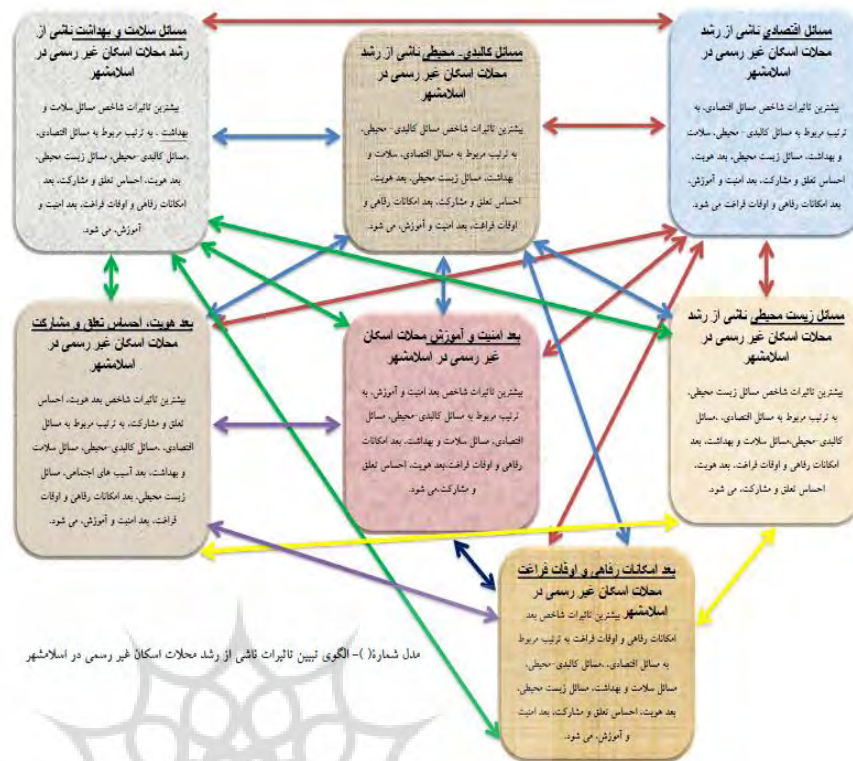


نمودار شماره ()- درصد تاثیرگذاری شاخص ها و ابعاد متغیرهای مستقل و وابسته بر سایر ابعاد

۳-۲-۶- طراحی الگوی پیامدهای اجتماعی ناشی از رشد محلات اسکان غیر رسمی در اسلامشهر:

تبیین تاثیرات ناشی از رشد محلات اسکان غیر رسمی در اسلامشهر بر اساس الگو در قالب مدل تحلیل تاثیرات و همبستگی شاخص ها بر سایر متغیرها می توان نتیجه گرفت که، بیشترین همبستگی در شاخص مسائل اقتصادی (میزان تاثیر β)، با شاخص مسائل کالبدی-محیطی و مسائل بهداشتی و سلامت، با ضریب بتای $\beta = 0.64$ و $\beta = 0.63$ می باشد. بیشترین همبستگی در شاخص مسائل کالبدی-محیطی (میزان تاثیر β)، بعد از شاخص های مسائل اقتصادی و بهداشتی و سلامت، با شاخص بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت، با ضریب بتای $\beta = 0.56$ می باشد. بیشترین همبستگی در مسائل سلامت (میزان تاثیر β)، با بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت، با ضریب بتای $\beta = 0.71$ می باشد. بیشترین همبستگی در شاخص مسائل زیست محیطی (میزان تاثیر β)، با شاخص مسائل کالبدی-محیطی، با ضریب بتای $\beta = 0.55$ می باشد. بیشترین همبستگی در شاخص بعد هویت، احساس تعلق و مشارکت (میزان تاثیر β)، بعد از شاخص مسائل اقتصادی و بهداشتی و سلامت، با شاخص بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت، با ضریب بتای $\beta = 0.46$ می باشد. بیشترین همبستگی در شاخص بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت (میزان تاثیر β)، بعد از شاخص مسائل اقتصادی و بهداشتی و سلامت، با شاخص مسائل کالبدی-محیطی، با ضریب بتای $\beta = 0.56$ می باشد.

بیشترین میزان همبستگی در شاخص ها، میان مسائل بهداشتی و سلامت و بعد امکانات رفاهی و اوقات فراغت و بالعکس، در مرتبه دوم، میان مسائل اقتصادی و مسائل کالبدی-محیطی و بالعکس و سپس میان مسائل اقتصادی و مسائل بهداشتی و سلامت و بالعکس، دیده می شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بر اساس داده های بدست آمده در پژوهش پیش رو، با توجه به اینکه مسائل اقتصادی جز اولین رده تاثیرگذاری شاخص ها قرار می گیرند و مهمترین مسئله اقتصادی در جامعه آماری این پژوهش، وضعیت مسکن به چشم می خورد، می توان تمهیدات لازم را در خصوص ارائه وام و تسهیلات به ساکنین برای مالکیت مسکن مطرح و اجرائی نمود و کارآفرینی اقشار مختلف را در منطقه ایجاد کرد. دومین شاخص تاثیرگذار، مسائل کالبدی- محیطی است. شهرداری می بایست تدابیری در خصوص انتقال کارگاه هایی که در مجاورت بافت مسکونی قرار دارند، ایجاد نماید یا مناطق خاصی را برای آنها در نظر بگیرد. همچنین با بکارگیری مبلمان شهری مناسب در راستای هویت و فرهنگ قالب منطقه، می توان جهت زیبایی بصری منطقه اقدامات موثری نمود. افزایش تمهیدات لازم در خصوص ایجاد مراکز و امکانات ورزشی و اطلاع رسانی کاربردی در خصوص ارائه خدمات مراکز درمانی به صورت فیزیکی و مجازی، می تواند نقش بسزایی در بالابردن سطح سلامت و بهداشت منطقه داشته باشد. عملکرد جوی ها و فاضلاب در منطقه مناسب و بهداشتی گزارش نشده و بهتر است تدابیری در این خصوص اندیشیده شود. بیشترین سطح آسیب های اجتماعی در خصوص پیامدهای اجتماعی سکونتگاه های غیررسمی، به مسائل اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر باز می گردد و واگرایی نسبت به قوانین شهری نیز به میزان زیادی در این منطقه به چشم می خورد. به نظر می رسد با اعتمادسازی موثر میان مسئولین و شهروندان این روند بهبود داشته باشد. نابرابری های اجتماعی بسیار چشمگیر است و توزیع عادلانه ثروت و درآمد وجود ندارد. استفاده بهینه از امان های فرهنگی و هویت قومی، می تواند در فرهنگسازی و ایجاد مشارکت فعال در منطقه و تقویت و پویایی و سرزندگی محلات یاری رسان باشد. تمرکز بر فرهنگسازی مسائل آموزشی برای تمامی اقشار و سنین و افزایش احساس امنیت نیز از دیگر موارد اجتماعی ست که نیازش بسیار محسوس است. با افزایش تعداد سراهای محلات، کتابخانه ها و فرهنگسراها و کانون های فرهنگی مانند سالن های سینما و تئاتر نه تنها می توان به ایجاد امکانات رفاهی کمک کرد، بلکه می توان به افزایش فرهنگ آموزش و کاهش جرم نیز یاری رسانید.

با توجه به موارد بررسی شده، وضعیت محلات اسکان غیررسمی تا نیل به وضعیت مطلوب راه نسبتا زیادی دارد و این جز با تلاشهای نهادهای حاکمیتی مانند شهرداری و سازمان های مربوطه و شهروندان امکان پذیر نخواهد بود. به نظر می رسد با بهبود وضعیت و کاهش دغدغه های اقتصادی افراد، بتوان به موارد دیگر ورود و التیامی در این خصوص در مباحث دیگر نیز صورت پذیرد.

- برزگر، صادق؛ حیدری، تقی؛ انبارلو، علیرضا (۱۳۹۹). تحلیل سکونتگاه های غیررسمی با رویکرد زیست پذیری (مطالعه موردی: محلات غیررسمی شهر زنجان)، سال ۹، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، شماره پیاپی ۳۳.
- رستم زاده، یاور (۱۳۹۱) ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی در محلات شهری با بررسی نگرش ساکنین محلی، مورد پژوهی: محله توحید، شهر بندرعباس، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
- روستایی، شهریور؛ احدنژاد، محسن؛ اصغری زمانی، اکبر؛ زنگنه، علیرضا؛ (۱۳۸۵). ارزیابی فقر شهری در محلات اسکان غیررسمی شهر کرمانشاه با استفاده از مدل تحلیل عاملی (نمونه موردی محله دولت آباد و شاطرآباد سال ۱۳۸۵)، جغرافیا و برنامه ریزی پاییز ۱۳۹۴ شماره ۵۳.
- سرگلزایی جوان، طیبه (۱۳۹۵) مکان سنجی توانمندسازی محله های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد زاهدان، سال ۹، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۶۳.
- محمدی دوست، سلیمان؛ مرادی ریزی، مرضیه؛ خانی زاده، محمدعلی (۱۳۹۵). ارزیابی نقش مدیریت شهری در توانمندسازی سکونتگاه های فقیر نشین شهری با تاکید بر خواسته های ساکنین (مطالعه موردی: محله زینبیه شهر اصفهان)، مجله آمایش جغرافیایی فضا.
- میرزایی، خلیل. (۱۳۸۹). پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.

منبع لاتین:

-Barry.M.& Ruther,H(۲۰۰۵)Data collection Techniques for Informal Settlement.

منبع اینترنتی:

http://sobhan۷۱.blogfa.com/post/۵۸ (نظریه های حاشیه نشینی) -